

شباهت با امام چیست؟ چه موقع به ضرورت شباهت با امام می‌رسیم؟

شباهت با امام به چه معناست و چه لازمه‌هایی دارد؟

ما در برهه‌های مختلف زندگی تلاش برای شبیه شدن به دیگران را تجربه می‌کنیم. ممکن است با توجه به الگویی که برای شبیه شدن انتخاب کرده‌ایم، با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو شده یا با آثار و پیامدهای مثبت یا منفی این انتخاب مواجه شویم، اما سؤال مهم این است که آیا هر کسی ارزش شبیه شدن دارد؟ یا در چه شرایطی شباهت به دیگری به سود ماست و نمی‌توانیم از آن اجتناب کنیم؟

در حقیقت شباهت مراتب مختلفی دارد و شباهت با امام برای فردی که با خود حقیقی‌اش آشنا شده، اجتناب‌ناپذیر است. همان‌طور که ما نمی‌توانیم بدون شبیه شدن به عادات و رفتار و مهارت‌های یک معلم به معلمی بپردازیم، بدون شباهت با امام و انسان کامل هم نمی‌توانیم به بعد انسانی و فوق‌عقلی خود نزدیک شده و خود را انسان بنامیم. اما این که این شباهت به چه معنی بوده، روند آن به چه ترتیبی است و چه لازمه‌هایی دارد، چیزی است که قصد داریم در این مقاله به آن بپردازیم.

اگر تجربهٔ سروکار داشتن با کودکان را داشته باشید، حتماً متوجه شده‌اید که تلاش برای شبیه شدن¹ به الگویی که برای مان جذابیت دارد یا مهم است، از دوران کودکی آغاز می‌شود. یعنی از زمانی که خود را می‌شناسیم، شروع به تقلید رفتار و شبیه کردن خود به نزدیک‌ترین افراد دور و برمان یعنی پدر و مادر می‌کنیم. این روند تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کرده و تنها موضوع آن تغییر می‌کند. مثلاً ممکن است در نوجوانی به سوی شبیه شدن به یک خواننده، بازیگر و یا ورزشکار خاص سوق پیدا کنیم، یا وقتی که قدم به حرفه‌ای خاص می‌گذاریم، بهترین‌های آن حرفه را به عنوان الگو برای خود قرار می‌دهیم و سعی بر شبیه شدن به آنها می‌کنیم. معمولاً به میزانی که به تکامل و پختگی می‌رسیم، الگوهایی که برای شبیه شدن انتخاب می‌کنیم،

1. اصل محاکات.

تغییر کرده و به سمت مسائل اساسی‌تر می‌روند. مثلاً ممکن است در دوران نوجوانی این شباهت در نحوه لباس پوشیدن یا مدل مو باشد و در دوران بزرگسالی به سمت دنبال کردن مکتب فکری یا الگوی سیاسی اجتماعی خاصی تغییر کند. البته اگر به درجه کافی از رشد و خودشناسی رسیده باشیم و با من حقیقی وجودمان بیشتر آشنا شده باشیم، کم‌کم به دنبال پیدا کردن الگوهای می‌رویم که با ساختار وجودی و هدف خلقت‌مان در تناسبتند. در واقع حتی اگر ندانیم در چنین شرایطی به دنبال شباهت با امام هستیم.

هر الگویی مناسب نیست

ما خواسته یا ناخواسته، با الگو یا بدون آن در حال پیمودن مسیر زندگی هستیم و به سمت مقصد خود که بازگشت به ملکوت است، در حال حرکتیم. با توجه به بهایی که به هر کدام از ابعاد وجودمان می‌دهیم، خواسته‌ها و آرزوهایی برای خود در نظر می‌گیریم. آرزوی بعضی از ما از کسب ثروت و بهتر کردن مدل خانه و ماشین‌مان فراتر نمی‌رود و بعضی از ما هم تمام عمرمان را به دنبال داشتن اندام متناسب‌تر، داشتن شغل بهتر یا کسب مدرک تحصیلی بالاتر می‌گذرانیم.

زندگی ما معمولاً پر از الگوست، اما الگوهایی که در بیلبوردها و شبکه‌های اجتماعی توجه ما را به خود جلب می‌کنند، درحالی که الگویی برای ما مناسب است، که لازمه رسیدن به هدف خلقت و آشنایی ما با بعد انسانی و خود حقیقی‌مان را فراهم کند. اگر ما با ساختار وجودی‌مان آشنا شده باشیم و بدانیم که نیازهای بعد فوق‌عقلی ما به هیچ وجه در محیط مادی و محدود دنیا برآورده نمی‌شود، مبداء و مقصد ما جایی خارج از این کره خاکی است و هدف خلقت ما چیزی فراتر از وجودی مادی ماست، محال است که بخواهیم با تکیه بر عقل و دانش دنیایی‌مان به رسیدن به هدف فکر کنیم.

ما پیوسته در حال تبدیل شدن هستیم، اما این که مسیر ما به سمت کمال و رشد یا سکون و سقوط است، بستگی زیادی به الگو و راهنمایی دارد که شبیه شدن به او را برای خود انتخاب کرده‌ایم. با گذشتن هر لحظه از عمرمان فرایند شدن ما در حال

انجام است و به مقصد نهایی خود نزدیک‌تر می‌شویم. تبدیل شدن درست کسب قلب سلیم و رسیدن به هدف خلقت کاملاً بستگی به این دارد که ما جایگاه انسانی خود را بشناسیم، مسیر حرکت خود را بدانیم و برای خود راهنما و الگوی مناسبی در نظر بگیریم. بدانیم که خلیفه خدا بر روی زمین هستیم و هدفمان کسب اسماء و صفات الهی است. و تنها شباهت با امام است که می‌تواند ما را به این هدف نزدیک کند.

شباهت با امام یا متخصص معصوم وقتی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم امام تنها الگویی است که تجلی دهنده تمام اسماء و صفات الهی است. باقی الگوها یا تجلی محدودی دارند و یا اصلاً الگوی بعد انسانی و فوق عقلانی ما نیستند. ما حتی در زندگی دنیایی هم هنگام کسب هر مهارتی، به دنبال شبیه شدن به ماهرترین و متخصص‌ترین فرد در آن زمینه می‌گردیم. پس طبیعی است که برای کامل شدن و رشد کردن، در بخش انسانی وجودمان هم به دنبال الگویی کامل باشیم. برای رسیدن به مقصد و هدف خلقتمان شباهت با امام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین الگو بهترین انتخاب ممکن است.

اهمیت شباهت با امام

همه تصمیماتی که در زندگی می‌گیریم، یا احياناً غفلت‌هایی که در زندگی مرتکب می‌شویم، از نظر اهمیت از یک درجه برخوردار نیستند. گاهی تصمیم‌های ما تنها اثر مقطعی و موقت دارند و به ما آسیب چندانی وارد نمی‌کنند، اما در شرایطی هم این غفلت‌ها به قیمت از بین رفتن کل ابدیتی که در پیش داریم، تمام می‌شوند. مسأله شباهت با امام موضوعی نیست که به سادگی و یا به خاطر سهل‌انگاری در توجه به اهمیتش، به سادگی از کنار آن بگذریم؛ یا با لجبازی خود را دانای کل دانسته و نیازی به شباهت به امام در خود نبینیم.

امام یا متخصص معصوم تنها کسی است که تمام نیازهای ما برای رسیدن به هدف خلقتمان و کسب قلب سلیم را دانسته و آنها را به طور یک جا برآورده می‌کند و به ما کمک می‌کند تا با ابزاری که خدا در اختیارمان قرار داده، مسیر تبدیل شدن به الگو و نمونه کاملی که خدا برای ما تعیین کرده را به سلامت طی کنیم.

توجه به این نکته بسیار مهم است که همان‌طور که در درس‌های گذشته در این باره صحبت کردیم، کامل‌ترین تجلی کمالات خداوند وجود امام است؛ در نتیجه هر کس در این جهان که به سمت کسب کمالی حرکت کرده و برای یادگیری آن می‌کوشد، در حال تلاش برای شبیه شدن به امام است، حتی اگر خودش با این مفهوم آشنایی نداشته باشد. دلیل احساس نزدیکی فطری ما با وجود ائمه هم همین نکته است، که ایشان کمالاتی را در وجود خود داشته و بروز می‌دهند که ما در آروزی کسب آنها هستیم.

ما در این مقاله به تلاش برای شباهت در برهه‌های مختلف زندگی پرداختیم. گفتیم که به میزان رشد و تعالی ما شباهت و الگوگیری برای ما در سطح‌های بالاتری معنی پیدا می‌کند، اما مهم‌ترین شباهت برای ما شباهت با امام است که وقتی به متوجه آن خواهیم شد به خودشناسی رسیده، هدف خلقتمان را شناخته و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم.

شما برای شبیه شدن به چه الگویی تلاش می‌کنید؟ آیا تا کنون به اهمیت شباهت با امام توجه کرده بودید؟